

باسمه تعالی

متن تفسیر سوره قدر از کتاب تفسیر نور استاد قرائتی

سیمای سوره قدر

سوره قدر در مکه نازل شده و همانند دیگر سوره های مکی، آیاتش کوتاه و موزون است.

این سوره با اشاره به نزول قرآن در شب قدر آغاز و با بیان اهمیّت شب قدر نزد خداوند و برتری آن بر هزار ماه ادامه می یابد و با سلام و درود الهی در آن شب پایان می پذیرد.

روایات متعددی در فضیلت تلاوت این سوره بعد از سوره حمد در نماز وارد شده است و به کسی که آن را در نماز واجب بخواند خطاب می شود: «غفر الله لك ما مضى فاستأنف العمل» [۱] خداوند گذشته تو را بخشید، از نو آغاز کن.

امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که در زیارت قبور مؤمنین، سوره قدر را هفت مرتبه بخواند، خداوند آن مردگان و کسی که این سوره را تلاوت کرده است، می آمرزد. [۲]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾

همانا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

نکته ها:

* خداوند، امور عالم را از طریق فرشتگان و با واسطه آنان به انجام می رساند. لذا در بسیاری از آیات قرآن، فعل ها و ضمیرهای مربوط به خداوند به صورت جمع آمده است. چنانکه در آغاز این سوره می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» ما قرآن را نازل کردیم.

* بر اساس نظر مفسران، [۳] قرآن دو بار نازل شده است. یکبار به صورت یکپارچه در شب قدر که این سوره به آن اشاره دارد و بار دیگر به صورت تدریجی در مدت بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر.

تعبیرات قرآن نیز درباره نزول این کتاب آسمانی دو گونه است. برخی با واژه «انزلنا» از ریشه انزال به معنای نزول دفعی آمده و برخی دیگر با واژه «نزلنا» از ریشه تنزیل به معنای نزول تدریجی آمده است.

* از انضمام آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» با آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» [۴] معلوم می شود که شب قدر در ماه رمضان است، اما اینکه

کدام یک از شب های ماه رمضان است، در قرآن چیزی بر آن دلالت ندارد و در روایات نیز به صورت مردّد میان یکی از سه شب آمده است.

چنانکه از امام صادق علیه السلام در مورد شب قدر پرسیدند: آن حضرت فرمود: در شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم رمضان جستجویش کن. [۵] البته معروف میان اهل سنت آن است که شب بیست و هفتم رمضان، شب قدر است.

پیام ها:

۱- شب قدر، شب شکرگزاری و تشکر از خداوند است. زیرا مهم ترین نعمت خداوند بر بشر، یعنی قرآن نازل شده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ»

۲- ظرف و مظهر باید متناسب باشند. بهترین کتاب در بهترین شب بر بهترین انسان ها نازل می شود. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ»

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ «۲» لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ «۳»
و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است.

نکته ها:

* کلمه «قدر» در قرآن، در چند معنا به کار رفته است:

(الف) مقام و منزلت. چنانکه می فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» [۶]
آن گونه که باید، مقام و منزلت الهی را شناختند.

(ب) تقدیر و سرنوشت. چنانکه می فرماید: «جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى» [۷]
ای موسی تو بنا بر تقدیر (الهی به این مکان مقدّس) آمده ای.

ج) تنگی و سختی. چنانکه می فرماید: وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ ... [۸]
کسی که رزق و روزی بر او تنگ و سخت شود...

دو معنای اول در مورد « لَيْلَهُ الْقَدْرِ » مناسب است، زیرا شب قدر، هم شب با منزلتی است و هم شب تقدیر و سرنوشت است.

* هستی، حساب و کتاب و قدر و اندازه دارد. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» [۹] هیچ چیز نیست مگر آنکه خزانه آن نزد ماست و جز به مقدار تعیین شده فرو نمی فرستیم. حتی مقدار نزول باران از آسمان حساب شده است. «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ» [۱۰] نه تنها باران، بلکه هر چیز نزد او اندازه دارد. «وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» [۱۱] چنانکه خورشید و ماه، از نظر حجم و وزن و حرکت و مدار آن حساب و کتاب دقیق دارد. «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» [۱۲]

* خداوند در شب قدر، امور یک سال را تقدیر می کند، چنانکه قرآن در جایی دیگر می فرماید:

«فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» [۱۳] در آن شب، هر امر مهمی، تعیین و تقدیر می شود. بنابراین، شب قدر منحصر به شب نزول قرآن و عصر پیامبر نیست، بلکه در هر رمضان، شب قدری هست که امور سال آینده تا شب قدر بعدی، اندازه گیری و مقدر می شود.

* بیدار بودن شب قدر و احیای آن با دعا و نماز و قرآن، مورد سفارش پیامبر و اهل بیت آن حضرت بوده است و در میان سه شب، بر شب بیست و سوم تأکید بیشتری داشته اند.

چنانکه شخصی از پیامبر پرسید: منزل ما از مدینه دور است، یک شب را معین کن تا به شهر بیایم.

حضرت فرمود: شب بیست و سوم به مدینه داخل شو [۱۴]

امام صادق علیه السلام در حالی که بیمار بودند، خواستند که شب بیست و سوم ایشان را به مسجد ببرند [۱۵] و حضرت زهرا علیها السلام در این شب، با پاشیدن آب به صورت بچه ها، مانع خواب آنها می شدند. [۱۶]

در روایات آمده است که دهه آخر ماه رمضان، پیامبر بستر خواب خود را جمع نموده و ده شب را احیا می داشت. [۱۷]

* در حدیثی طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که حضرت موسی علیه السلام به خدا عرض کرد:

خدایا مقام قربت را خواهانم. پاسخ آمد: «قربی لمن استیقظ ليله القدر»، قرب من، در بیداری شب قدر است.

عرضه داشت: پروردگارا، رحمتت را خواستارم. پاسخ آمد: «رحمتی لمن رحم المساکین ليله القدر»، رحمت من در ترحم بر مساکین در شب قدر است.

گفت: خدایا، جواز عبور از صراط می خواهم. پاسخ آمد: «ذلک لمن تصدق بصدقه ليله القدر»، رمز عبور از صراط، صدقه در شب قدر است.

عرض کرد: خدایا بهشت و نعمت های آن را می طلبم. پاسخ آمد: «ذلک لمن سبح تسبیحه فی ليله القدر»، دستیابی به آن، در گرو تسبیح گفتن در شب قدر است.

عرضه داشت: پروردگارا، خواهان نجات از آتش دوزخم. پاسخ آمد: «ذلک لمن استغفر فی لیلہ القدر»، رمز نجات از دوزخ، استغفار در شب قدر است.

در پایان گفت: خدایا رضای تو را می طلبم. پاسخ آمد: «رضای لمن صلی رکعتین فی لیلہ القدر»، کسی مشمول رضای من است که در شب قدر، نماز بگذارد. [۱۸]

* از وقایع عجیب تاریخی، ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام در شب قدر، در محراب عبادت و به هنگام نماز است. آری، اشرف خلق خدا، در اشرف مکان ها و اشرف زمان ها، در اشرف حالات، شهید شد.

* شب جایگاه ویژه ای در مسائل معنوی دارد که به چند مورد اشاره می کنیم:

خداوند برای اهدای تورات، حضرت موسی را به مناجات شبانه فراخواند: «أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» [۱۹]

قرآن، زمان مناسب برای استغفار را، هنگام سحر می داند: «و بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» [۲۰]

عروج پیامبر به آسمان، به هنگام شب بود. «أُسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» [۲۱]

پیامبر مأمور بود که مناجات و عبادات شبانه داشته باشد. «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ» [۲۲] «فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا» [۲۳]

خداوند از عابدان در شب ستایش می کند. «يَتْلُونَ آيَاتِ اللّٰهِ اَنْاءَ اللّٰيْلِ» [۲۴] و به تسبیح در شب سفارش می کند. «وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا» [۲۵]

خداوند در قرآن، به زمان طلوع فجر و هنگام عصر یک بار سوگند یاد کرده است ولی به هنگام سحر سه بار. «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» [۲۶]، «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ» [۲۷]، «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ» [۲۸]

* طول شب قدر، یک شب کامل کره زمین است که ۲۴ ساعت می شود، نه آنکه مخصوص مکان خاصی همچون مکه و آن هم به میزان ۸ ساعت شب آن منطقه باشد. چنانکه مراد از روز عید فطر، یک روز کامل کره زمین است که شامل همه نقاط و مناطق می شود.

* تقارن شب تقدیر بشر با شب نزول قرآن، شاید رمز آن باشد که سرنوشت بشر، وابسته به قرآن است. اگر پیرو قرآن باشد، سعادت و رستگاری و اگر دور از قرآن باشد، شقاوت و بدبختی برای او رقم می خورد.

* ابوذر می گوید: به رسول خدا عرضه داشتم آیا شب قدر در عهد انبیا بوده و امر بر آنان نازل می شده و پس از آنکه از دنیا می رفتند، نزول امر در آن شب تعطیل می شده است؟ حضرت فرمودند: شب قدر تا قیامت هست [۲۹]

* شاید رمز اینکه شب قدر مخفی است، آن باشد که مردم شب های متعدّد را به عبادت پردازند، کسانی که یک شب آنرا درک کردند مغرور نشوند و کسانی که آنرا درک نکردند، از باقی شب ها مأیوس نشوند.

* در روایات آمده است: «العمل الصالح فيها خير من العمل في الف شهر ليس فيها ليلة القدر» [۳۰] کار نیک در شب قدر، بهتر از کار نیک در هزار ماه بدون شب قدر است.

پیام ها:

۱- برای امور مقدّس، زمان مقدّس انتخاب کنید. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»

۲- زمان ها یکسان نیست، بعضی زمان ها بر بعضی دیگر برتری دارد. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ ﴿٤﴾

در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند.

نکته ها:

* از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا روح همان جبرئیل است؟

فرمود: جبرئیل از ملائکه است و روح برتر از ملائکه است. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ. [۳۱]

* با نزول فرشتگان بر قلب پیامبر و امام معصوم در شب قدر، ارتباط زمین با آسمان، مُلک با ملکوت و طبیعت با ماوراء طبیعت برقرار می شود.

روح انواعی دارد:

- روحی که منشأ تمایلات و شهوات است.
- روحی که منشأ قدرت و حرکات است. این دو روح، مشترک میان انسان و حیوان است.
- روحی که منشأ اختیار و اندیشه است، که این روح مختص انسان است.
- روحی که عقل محض است و جوهر وجودی فرشتگان را تشکیل می دهد.
- روحی که برتر از فرشتگان است و شب قدر همراه آنان به زمین نازل می شود.

* در روایات آمده است که با منکران امامت، با سوره قدر احتجاج کنید [۲۲] زیرا بر اساس این سوره، فرشتگان هر سال در شب قدر نازل می شوند. در زمان حیات پیامبر بر وجود شریف حضرتش وارد می شدند. پس از آن حضرت بر چه کسانی نازل می شوند؟

روشن است که هر کسی نمی تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید او همچون پیامبر، معصوم بوده و ولایت امور بشر به عهده او باشد و او کسی جز امام معصوم نیست که در زمان ما، حضرت مهدی علیه السلام می باشد و فرشتگان در شب قدر شرفیاب محضرش می شوند.

نگاهی به فرشتگان در قرآن [۲۳]

فرشتگان، کارگزاران نظام هستی و مأمور انجام فرامین خداوند در اداره امور هستند. در قرآن برای هر دسته از فرشتگان مأموریت و نقش خاصی تعیین شده است و با همان مأموریت نام گزاری شده اند: «النَّازِعَاتِ [۲۴]» «الصَّافَّاتِ [۲۵]» «فَالزَّاجِرَاتِ [۲۶]» «النَّاشِرَاتِ [۲۷]» «فَأَلْفَارِقَاتِ [۲۸]»، «فَالْمُدَبِّرَاتِ [۲۹]

برخی فرشتگان برای حفاظت گماشته شده اند. «إِنَّ عَلَیْكُمْ لِحَافِظِینَ» [۴۰]

بعضی فرشتگان با اولیاء الهی گفتگو دارند. با زکریا سخن گفتند و او را به فرزندی به نام یحیی بشارت دادند «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ» [۴۱] و همین فرشتگان با حضرت مریم گفتگو کردند. «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْیَمُ» [۴۲]

در مواردی، سخن از امداد فرشتگان به رزمندگان در جبهه های جنگ به میان آمده است.

چنانکه در جنگ بدر، خداوند سه هزار فرشته را به یاری مسلمانان فرستاد. «یُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» [۴۳]

برخی فرشتگان مسئول گرفتن جان مردم هستند. «یَتَوَقَّأَكُم مَلَکُ الْمَوْتِ» [۴۴] و دسته ای دیگر، مسئول امور عرش. «یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ» [۴۵]

از امتیازات فرشتگان، عبادت دائمی و خستگی ناپذیر آنهاست که قرآن می فرماید: «وَمَنْ عِنْدَهُ لَا یَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا یَسْتَحْسِرُونَ» [۴۶]. «یُسَبِّحُونَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ لَا یَفْتُرُونَ» [۴۷]

از وظایف دیگر فرشتگان، دعا و استغفار برای مؤمنین «یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْأَرْضِ» [۴۸] و صلوات بر پیامبر اسلام است. «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ» [۴۹]

فرشتگان درجاتی دارند و همه در یک سطح و مقام نیستند. «مَا مِثْلُهَا لَهٗ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» [۵۰] خداوند، همان گونه که بعضی از انبیا را بر برخی دیگر

برتری داده، از میان فرشتگان نیز بعضی را برگزیده است. «اللَّهُ يَصْطَفِي مَنِ الْمَلَائِكَةِ» [۵۱]

قدرت تمام فرشتگان یکسان نیست و ظرفیت های متفاوتی دارند. «أُولَى أَجْنَحِهِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ» [۵۲] بعضی فرمانبرند و بعضی فرمانده، ولی همه معصوم و امین. «مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ» [۵۳]

ایمان به همه فرشتگان لازم است، «كُلُّ أَمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ» [۵۴] و انکار آنان در کنار خداوند آمده است. «وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ» [۵۵]

فرشتگان، لشگر الهی هستند و تعدادشان را جز خداوند هیچ کس نمی داند. «وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ» [۵۶] و اگر گاهی سخن از تعداد به ظاهر اندک آنان است، نظیر آیه «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» [۵۷] که می فرماید: مأموران دوزخ نوزده نفرند، دلایل دیگری دارد، نه آنکه به خاطر نداشتن نیرو باشد.

فرشتگان، اطاعت مطلق از خداوند دارند و هر چه را مأمور شوند انجام می دهند و هرگز نافرمانی ندارند. «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» [۵۸]

آنان بر فرمان خداوند پیشی نمی گیرند و فقط فرمان او را عمل می کنند. «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» [۵۹]

اطاعت آنان آگاهانه و بر اساس تقوای الهی است و در اطاعت، کار خاصی را گزینش نمی کنند، بلکه هر کاری که به آنان محوّل شود انجام می دهند. «يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» [۶۰]

* پیامبر اسلام فرمود: آفرینش فرشتگان، همه از نور است. «ان الله عز و جل خلق الملائکه من النور» [۶۱] و خداوند هیچ موجودی را به اندازه فرشتگان نیافریده است. «ما من شیء مما خلق الله اکثر من الملائکه» [۶۲]

* امام صادق علیه السلام فرمود: فرشتگان، اهل خوردن و آشامیدن و آمیزش جنسی نیستند. «ان الملائکه لا یأکلون و لا یشربون و لا ینکحون» [۶۳]

پیام ها:

۱- فرشتگان بدون اذن خداوند کاری انجام نمی دهند. تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

۲- تقدیر امور در شب قدر، با نزول و حضور فرشتگان صورت می گیرد. تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ ... مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

۳- تقدیر امور در شب قدر، گوشه ای از ربوبیت الهی است. «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» ۵»

(آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است.

نکته ها:

* «سَلَامٌ»، یکی از نام های خداوند در قرآن است. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ ... [۶۴]

* مراد از «سَلَامٌ» در این آیه، لطف و عنایت ویژه الهی نسبت به بندگان در شب قدر است که سلامت و رحمت و برکت را به دنبال دارد و باب نعمت و عذاب را می بندد، زیرا کید و وسوسه شیطان در آن شب مؤثر واقع نشود [۶۵]

* در شب قدر، فرشتگان به زمین نازل می شوند و بر هر مرد و زنی که در حال عبادت باشند، سلام می کنند. [۶۶] چنانکه در قیامت نیز با گفتن سلام به استقبال بهشتیان می روند: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» [۶۷]

پیام ها:

۱- شب قدر، شب سلامت فکر و روح آدمی و تعالی به سوی خداوند سلام است. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

۲- شب قدر، شب رحمت است و می توان با توبه، الطاف خداوند را به خود جلب کرد. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

۳- تقدیر امور از سوی خداوند، بر اساس سعادت بشر است، مگر آنکه او خود جز این بخواهد. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

«والحمد لله رب العالمین»

[۶۲] - تفسیر المیزان.

[۶۳] - تفسیر نورالثقلین.

[۶۴] - وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۷۹.

[۶۵] - انعام، ۹۱.

[۶۶] - وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۳۶۰.

[۶۷] - بقره، ۱۸۵.

- [۷] - طه، ۴۰. [۸] - طلاق، ۷. [۹] - حجر، ۲۱.
- [۱۰] - مؤمنون، ۱۸. [۱۱] - رعد، ۸. [۱۲] - الرحمن، ۵.
- [۱۲] - دخان، ۴. [۱۳] - وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۳۰۷. [۱۴] - بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۶۹.
- [۱۶] - بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۰. [۱۷] - تفسير مجمع البيان. [۱۸] - وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۲۰.
- [۱۹] - بقره، ۵۱. [۲۰] - ذاريات، ۱۸. [۲۱] - اسراء، ۱.
- [۲۲] - اسراء، ۷۹. [۲۳] - مزمل، ۲. [۲۴] - آل عمران، ۱۱۳.
- [۲۵] - انسان، ۲۶. [۲۶] - تكوير، ۱۷. [۲۷] - مدثر، ۳۳.
- [۲۸] - فجر، ۴. [۲۹] - تفسير برهان. [۳۰] - من لا يحضره ج ۲، ص ۱۵۸.
- [۳۱] - تفسير برهان. [۳۲] - تفسير نورالثقلين.
- [۳۳] - در نهج البلاغه، خطبه ۱ و ۹۱ درباره ملائكه مطالبى آمده است.
- [۳۴] - نازعات، ۱. [۳۵] - صافات، ۱. [۳۶] - صافات، ۲.
- [۳۷] - مرسلات، ۳. [۳۸] - مرسلات، ۴. [۳۹] - نازعات، ۵.
- [۴۰] - انفطار، ۱۰. [۴۱] - آل عمران، ۳۹. [۴۲] - آل عمران، ۴۴.
- [۴۳] - آل عمران، ۱۲۴. [۴۴] - سجده، ۱۱. [۴۵] - حاقه، ۱۷.
- [۴۶] - سجده، ۱۵. [۴۷] - انبياء، ۲۰. [۴۸] - شورى، ۵.
- [۴۹] - احزاب، ۵۶. [۵۰] - صافات، ۱۶۴. [۵۱] - حج، ۷۵.
- [۵۲] - فاطر، ۲. [۵۳] - تكوير، ۲۱. [۵۴] - بقره، ۲۸۵.
- [۵۵] - نساء، ۱۳۶. [۵۶] - مدثر، ۳۱. [۵۷] - مدثر، ۳۰.
- [۵۸] - تحریم، ۶. [۵۹] - انبياء، ۲۷. [۶۰] - نحل، ۵۰.

[٦١] - اختصاص، ص ١٠٩.

[٦٢] - تفسير قمي، ج ٢، ص ٢٦٠.

[٦٣] - بحار الانوار، ج ٥٦، ص ١٧٤.

[٦٤] - حشر، ٢٣.

[٦٥] - تفسير الميزان.

[٦٦] - تفسير مجمع البيان

[٦٧] - زم، ٧٢.